

ياران حلقه

بخش نخست از فرماتروای حلقه‌ها

جی آر. آر. تالکین ترجمه رضا علیزاده



فهرست:

۹	یادداشت مترجم
۱۵	فرمانروای حلقه‌ها در سیمای اساطیر
۲۷	سراغاز
۵۴	یادداشتی در باب اسناد شایر

کتاب اول

۶۱	۱ دیرزمانی به انتظار میهمانی
۱۰۳	۲ سایه گذشته
۱۴۷	۳ سه همسفر
۱۸۷	۴ میان‌بری به وسط قارچ‌ها
۲۱۱	۵ آشکار شدن تبانی
۲۳۳	۶ جنگل قدیمی
۲۶۱	۷ در خانه تام بامبادیل
۲۸۳	۸ مه بر روی بلندی‌های گورپشته
۳۰۹	۹ در میهمانخانه اسبچه راهوار
۳۳۵	۱۰ استرایدر
۳۵۹	۱۱ دشنه‌ای در تاریکی
۳۹۹	۱۲ گریز به سوی گذار

کتاب دوم

۴۳۷	۱ ملاقات‌های بسیار
۴۷۵	۲ شورای الروند
۵۳۹	۳ سفر حلقه به سوی جنوب
۵۸۳	۴ سفری در تاریکی
۶۳۱	۵ پُل خزد-دوم
۶۵۳	۶ لوتلورین
۶۹۱	۷ آیینه گالادریل
۷۱۹	۸ وداع با لورین
۷۴۵	۹ رودخانه بزرگ
۷۷۵	۱۰ پراکنده شدن یاران

فرمانروای حلقه‌ها در سیمای اساطیر

در اره‌گیون، الف‌ها به اتفاق سائورون، صنعت ساختن حلقه‌های جادویی را به اوج می‌رسانند. دانش ساخت این حلقه‌ها، زبانی که آدمیان با آن تکلم می‌کنند، بذر درخت سفیدی که در گوندور رشد یافته است، و سنگ‌های پلان تیر، همه از سرزمین اصلی الف‌ها، از آن سوی دریای غرب آمده است. گندالف در شعری می‌گوید:

کشتی‌های بلند و پادشاهان بلندقامت

سه بارسه

آنان از سرزمین زیر آب رفته

از آن سوی این دریای موج چه آورده‌اند؟

هفت ستاره و هفت سنگ

و یک درخت سفید

ولگولاس الف نیز از آن سرزمین چنین می‌خواند:

در لوسیا، در زادگاه الف‌ها که هیچ آدمیزادی پا بر آن

نتواند گذاشت

آن جا که برگ‌ها فرو می‌ریزند: سرزمین ابدی مردم من.

متن زیر، قطعه‌ای از مجمع القوانين بروسیانوس^۱، در باب خاستگاه نوس، یا لوگوس است:

... از جایی آمده است که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید
کجاست...

یا به قول سرخ‌پوستان اُجیب‌وی^۲ از «راز بزرگ».

در ادامه متن، آن خاستگاه (موناد یا ملأ‌علی) چنین توصیف می‌شود:

... به سان یک کشتی آکنده از تمام چیزهای خوب...

و همچون اورشلیم و بابل، عنوان متروپولیس (مادر شهر) به آن اطلاق می‌شود.

در فرمانروای حلقه‌ها عناصر زمانه عموماً نقشی منفعل دارند. شخصیت ماورایی البریت گیلتونیل الف، مانند بانو عشره دریا، زوجه‌ی ال و مادر خدایان (اساطیر کنعان) در مکانی دور، کنار دریا مقیم است. در نبرد علیه سائورون، البریت گیلتونیل، نقش سوفیا، جانشین اسرائیلی بانو عشره دریا یا عشتاروت (ملکه‌السماء) را ایفا می‌کند؛ سوفیا خرد ازلی مؤنثی است که

فرمانروای حلقه‌ها در سیمای اساطیر / ۱۷

ناخودآگاه وحدت را جستجو می‌کند، و از زمانی دور و ناشناخته، تا زمان بسته شدن نقطهٔ پسر خدا یا لوگوس، در جایی دور از یهوه، گوشه‌نشینی می‌کرد، در حالی که لوگوس (در اینجا آراگورن) نیروی فعال و شکل‌دهنده‌ای است که تصور آگاهانه‌ای از وحدت غایی یا پادشاهی دارد. در شعری که یکی از یاران گیلدور می‌خواند به ازلی بودن البریت گیلتونیل اشاره‌ای می‌شود:

... ستاره‌هایی که در سال بی‌خورشید
با دستان درخشانش کاشته شدند...

در فرمانروای حلقه‌ها، غالباً هرگاه به طور عام، سخنی از الف‌ها می‌رود، از دریا و آب نیز ذکری به میان می‌آید، و با توجه به عشق وافر الف‌ها به دریانوردی روشن است که آن‌ها رابطهٔ عمیقی با آب دارند، تا جایی که به دستور الوند و گندالف رود بروآینن به صورت اسب‌های سفیدی با یال‌های کف‌آلود برمی‌خیزد. در بریتانیا به کف سفیدی که روی موج را می‌گیرد «اسب‌های سفید» می‌گویند. این اصطلاح در افسانه‌های سلتی ریشه دارد؛ منعان^۱ که به زبان سلتی «پسر دریا» معنی می‌دهد خدای متغیرالشکلی‌ست که اسب‌های سفیدی ارابهٔ باشکوهش را بر روی موج‌ها می‌کشد.

در زمانی دور، گروهی از الف‌ها به هیئت انسان درآمدند و از زمرة فانیان شدند. آنان به ارادهٔ خود هبوط کردند. آراگورن از این خاندان است، از نژاد نومه‌نور که اخلاف آنها در این مقطع از داستان، نسبت به اجداد خود